گزارش کوتاه

نگرانی از ادامه حیات دریاچه ارومیه
سنگ قبر دریاچه ارومیه در تبریز ساخته شد

نخستین جشنواره کودک، محیط زیست و دریاچه ارومیه که همزمان با روز جهانی کودک در ۱۷ مهرماه و با شعار «به خاطر ما کودکان دریاچه ارومیه را حفظ کنید»، در شهر تبریز آغاز به کار کرده بود، پنجشنبه ۲۵ مهر سرانجام با دعای کودکان تبریزی برای نجات دریاچه ارومیه به کار خود پایان داد. در این جشنواره که به همت تشکل زیست‌محیطی همیاران سبز برپا شده بود، سنگ قبری برای دریاچه ارومیه ساخته شده بود که روی آن نام دریاچه ارومیه و دیگر مشخصاتش نوشته شده‌بود. مقابل عبارت «سال مرگ» نیز نوشته شده بود: نحوه مدیریت مسوولان و مردم تاریخ آن را تعیین می‌کند! دریاچه ارومیه که این روزها به دلیل خشکسالی‌های پیاپی و سوءمدیریت در بخش آب کشور، بدترین روزهای خود را در طول تاریخ می‌گذراند، چنان در ورطه نابودی گرفتار شده که تشکل‌های زیست‌محیطی استان آذربایجان شرقی را بر آن داشته تا با ساخت نمادین سنگ قبر و برگزاری نمایشگاهی از عکس‌های دریاچه رو به زوال دریاچه ارومیه، تلنگری به مدیران بزنند تا شاید قبل از آنکه همه فرصت‌ها از کف برود کاری برای نجات این دریاچه انجام دهند. به گزارش سبز پرس، مهندس حسن‌زاده دبیر تشکل همیاران زیست سبز که اجرای این جشنواره را با همکاری شهرداری و اداره کل محیط زیست استان آذربایجان شرقی بر عهده داشت، گفت: در حاشیه این مراسم نمایشگاه عکسی از بحران در دریاچه ارومیه در محل مجموعه مفاخر آذربایجان بر پا شده است که از نخستین روز اجرای این جشنواره به طور متوسط هر روز ۱۰۰۰ نفر از این نمایشگاه دیدن کردند. برگزاری مسابقات نقاشی و عکاسی از دریاچه ارومیه از دیگر محورهای این جشنواره بود که در پایان به برگزیدگان جوایزی اهدا می‌شود. وی درباره عکس‌های راه یافته به بخش نمایشگاه و تاثیر آن روی بازدیدکنندگان گفت: اغلب مردم تبریز دریاچه ارومیه را دیده‌اند اما بعضی از آنها شاید چند سالی بود که این دریاچه را ندیده بودند و حال که وضعیت امروز دریاچه تا این حد بحرانی می‌دیدند متاثر می‌شدند به طوری که روز گذشته خانم میانسالی با دیدن این عکس‌ها چنان اشک می‌ریخت که در ابتدا فکر کردیم برای او مشکلی پیش آمده و بعد که علت را جویا شدیم او گفت: من چند سالی بود که دریاچه نرفته بودم ولی هرگز فکر نمی‌کردم مشکل بی‌آبی دریاچه تا این حد بحرانی شده باشد که پرندگان بمیرند و دریاچه به این گستردگی پسروی کند. او با گریه می‌گفت: من چه کار می‌توانم کنم تا دریاچه را از این وضعیت نجات دهم؟ شما را به خدا از مسوولان بخواهید فکری به حال ارومیه کنند که اینچنین نابود نشود. استاد میرعباس آل‌یاسین رئیس هیات داوران نمایشگاه عکس دریاچه ارومیه نیز در گفت‌وگو با سبز پرس گفت: امروز ندای مرگ دریاچه بسیار بلندتر از آن چیزی است که ممکن است به گوش ما برسد و این تصاویر تنها گوشه‌یی کوچک از فاجعه‌یی است که امروز در این دریاچه در حال وقوع است و هیچ ایرانی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد و باید کاری کرد. در این جشنواره کودکان دعای نجات دریاچه ارومیه را روی کاغذهایی می‌نوشتند و از خدا درخواست نزول باران و نجات دریاچه را می‌کردند. جشنواره کودک، محیط زیست و دریاچه ارومیه که با تلاش گروه همیاران زیست سبز و خانواده سبز برپا شده بود با استقبال خوب مردم تبریز مواجه شد. مردم تبریز در یادداشت‌های خود بعد از بازدید از نمایشگاه عمدتاً جاده سازی و خشکسالی را مسوول بحران امروز دریاچه عنوان کرده بودند و از مسوولان درخواست کرده بودند تا بیش از این دیر نشده کاری برای ارومیه کنید.

محرومیت نابینایان ایران از حداقل حقوق شهروندی

گروه اجتماعی، بنفشه سام‌گیس: چندی قبل گزارشی از وضعیت مناسب‌سازی پیاده‌روهای شهر پکن برای معلولان این شهر در یکی از نشریات منتشر شد. در این گزارش آمده بود شهرداری پکن بخشی از پیاده‌روهای شهر را به گونه‌یی سنگفرش کرده که نابینایان در آن قسمت از پیاده‌رو می‌توانند به آسانی تردد کنند زیرا سنگفرش‌ها با نشانه‌های برجسته علامتگذاری شده و فرد نابینا با لمس این نشانه‌ها از طریق عصایی که در دست دارد می‌تواند بدون نیاز به کمک غیر در خیابان‌ها رفت و آمد کند. عکسی که زینت این گزارش بود هم یک نابینای چینی را نشان می‌داد که با عصای سفید در دست در بخشی از پیاده‌رو مشغول راه رفتن بود و با فاصله چند قدم از او عابران معمولی در حال تردد بودند. . . نابینایان ایران هم مانند سایر اعضای جامعه معلولان کشور از حقوق شهروندی خود محروم هستند. از جمعیت ۲۱ میلیون نفری ایران که دچار عیوب انکساری هستند، ۵۵۰ هزار نفر با یکی از انواع اختلالات بینایی دست و پنجه نرم می‌کنند. به گفته دکتر کیوان دواتگران رئیس ستاد برگزاری مراسم و مناسبت‌های ویژه معلولان سازمان بهزیستی کشور در حالی که ابتلای ۳۰ درصد از جمعیت کشور به عیوب انکساری و شیوع بالای بیماری‌هایی چون آب‌مروارید و بیماری‌های عفونی چشمی، ایران را در ردیف شانزدهمین کشور جهان از نظر شیوع بالای اختلالات بینایی و بیماری‌های چشمی قرار داده، هم‌اکنون حدود ۱۳۰ تا ۱۵۰ هزار نفر در ایران دچار اختلال بینایی عمیق هستند که در علم پزشکی نابینا نامیده می‌شوند. البته صحت این رقم هم مانند سایر آمارها مورد تردید است زیرا سازمان‌های متولی امور معلولان تاکنون تحقیق جامعی برای شناسایی تعداد واقعی جمعیت نابینایان ایران انجام نداده‌اند و این ارقام مبتنی بر برآورد انجمن‌های غیردولتی متولی حمایت از معلولان، آخرین نتایج سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۸۵، گزارش سازمان بهزیستی کشور از مراجعات نابینایان و همچنین تخمین سازمان بهداشت جهانی از تعداد معلولان جهان به ازای جمعیت غیرمعلول دنیاست. WHO تخمین زده هر پنج ثانیه یک نفر به جمعیت نابینایان جهان اضافه شده و در هر دقیقه یک کودک نابینا متولد می‌شود. به گفته دکتر دواتگران آمار ایران هم در این برآورد دیده شده و از آنجا که سه میلیون نفر از نابینایان جهان در منطقه مدیترانه شرقی (که ایران هم در این منطقه واقع شده) زندگی می‌کنند بنابراین می‌توان تا این حد پذیرفت که رقم ۵۵۰ هزار نابینا و کم‌بینا در ایران می‌تواند نزدیک به واقعیت باشد.

اینکه چه تعداد از جمعیت نابینایان ایران از حمایت‌های سازمان‌های متولی برخوردار هستند به گفته دواتگران حداکثر صد هزار نابینا و کم‌بینا از خدمات مستمری، دریافت وسایل توانبخشی و تامین شهریه تحصیلی سازمان بهزیستی استفاده می‌کنند. وی در پاسخ به اعتماد می‌گوید: «تمام نابینایان یا کم‌بینایان به خدمات سازمان بهزیستی نیاز ندارند و البته جمعیتی از این گروه هم هستند که واقعاً به خدمات ما نیازمند هستند اما هنوز از سوی سازمان بهزیستی شناسایی نشده‌اند. علت این امر هم کمبود نیروی متخصص است که فرصت کافی برای امور تحقیقاتی و پژوهشی داشته باشد. در واقع منابع آماری ما افرادی هستند که در مراکز پذیرش سازمان مستقر شده‌اند یعنی مددکاران. اما سازمان با معضل کمبود مددکار مواجه است و در عین حال مددکاران فعال هم هر کدام چندصد پرونده در دست دارند که رسیدگی به همین پرونده‌ها کار بزرگی است، چه برسد به اینکه مددکار فرصت داشته باشد اطلاعات تخصصی مددجویان را از فحوای این پرونده‌ها استخراج کند.»

تاکید دواتگران بر این نکته که «سازمان بهزیستی ضعف آمار دارد چون نیروی متخصص ندارد»، می‌تواند جوابی مضاعف باشد برای این سوال که به دلیل نبود نیروی متخصص و کافی هنوز هیچ برآورد دقیقی از وضعیت معیشتی و امرار معاش نابینایان ایران وجود ندارد. هیچ آماری هم از تعداد نابینایان زیر خط فقر موجود نیست اما یک رقم نسبتاً قطعی وجود دارد که می‌تواند از دورنمای معیشتی نابینایان تصویر نسبتاً دقیقی ارائه دهد. به گفته دواتگران از جمعیت ۱۵۰ هزار نفری نابینایان کشور کمتر از پنج هزار نفر شاغل هستند. این در حالی است که مستمری سازمان بهزیستی برای نابینایان از سقف مستمری سایر معلولان پیروی می‌کند و رقمی حدود ۲۵ هزار تومان است.

اشتغال معلولان از جمله مشکلات مادی است که در این جمع اقلیت هنوز به وضعیت مزمن درنیامده است. با وجود تاکید مفاد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان بر الزام تخصیص سه درصد از مجوزهای استخدام دولتی به معلولان، این قانون هنوز اجرایی نشده و جامعه نابینایان نیز از بیکاری گسترده در میان معلولان استثنا نیست. سال گذشته و در اثنای روز جهانی عصای سفید، محمود احمدی‌نژاد در دیدار با جامعه نابینایان قول داد زمینه اشتغال دو هزار نابینای بیکار تا دو ماه بعد ایجاد شود. امروز که یک سال و دو روز از آن وعده گذشته، دواتگران می‌گوید: «اشتغال‌زایی با استخدام متفاوت است. ما اگر بتوانیم یک سیستم کامپیوتر در اختیار یک نابینا قرار دهیم تا بتواند یک فعالیت سودآور انجام دهد او را به سمت اشتغال سوق داده‌ایم. مشکل اصلی سازمان بهزیستی کشور بی‌تفاوتی جامعه نابینایان نسبت به ضرورت حضور در جامعه است. برخلاف اینکه نابینایان استعدادهای فراوانی دارند اما فاقد تشکل‌های قوی هستند. به نظر می‌رسد جامعه نابینایان صرفاً منتظر حمایت شدن هستند. ما بارها از جامعه نابینایان دعوت کردیم برای تشکیل تعاونی یا مراکز خانواده و کودک نابینا قدم پیش بگذارند و همین تشکیلات می‌توانست برای نابینایان بیکار اشتغال ایجاد کند. اگر امروز هر وزارتخانه و نهاد دولتی بخواهد قانون سه درصد استخدام معلولان را در مورد نابینایان اجرا کند حداکثر ۵۰ نابینا استخدام خواهند شد. این قدم دولت است اما تشکل‌ها باید مطالبه کنند، بیایند و بخواهند. ما چنین پویایی را حداقل برای ایجاد اشتغال در جامعه نابینایان نمی‌بینیم.»

ماده ۸ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان تاکید داشته تحصیل معلولان رایگان است. به گفته رضا غلامی مدیرکل دفتر امور توانبخشی معلولان جسمی، حرکتی، حسی سازمان بهزیستی کشور هم‌اکنون ۲۱۲۰ دانشجوی نابینا از بابت پرداخت شهریه حمایت می‌شوند. این حمایت البته تا سال گذشته با پرداخت تمام شهریه تحصیل یک دانشجوی معلول تکمیل می‌شد اما امسال با الزام درصد معلولیت در پرداخت شهریه دانشگاه تا این حد تغییر کرده که برای اکثر دانشجویان بخشی از شهریه پرداخت می‌شود. دواتگران در پاسخ به علت تغییر رویه سازمان بهزیستی در پرداخت شهریه دانشجویان معلول با وجود الزام ماده ۸ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان می‌گوید: «پرداخت تمام شهریه یک دانشجو از عدالت به دور است. ما نابینایانی داریم که با تلاش فراوان موفق به قبولی در دانشگاه‌هایی شده‌اند که یک ریال هم شهریه ندارد. در مقابل دانشجویانی هستند که شهریه آنها بیش از یک میلیون تومان در هر ترم است. آیا این عدالت است که برای آن دانشجو هر ترم یک میلیون تومان شهریه بدهیم و دانشجوی دیگری حتی مشمول یک ریال شهریه هم نشود؟ باید تعادل برقرار کنیم یعنی سطح پرداخت شهریه‌ها به گونه‌یی تعدیل شود که بتوانیم به آن گروه از دانشجویان که مشمول شهریه نیستند هم کمک‌های مالی ارائه بدهیم. مهم‌ترین مشکل ما هم که باعث تغییر در رویه سازمان شد بحث بودجه و اعتبارات است. هم‌اکنون هشت هزار دانشجوی معلول تحت پوشش سازمان هستند که حتی میانگین شهریه آنها در هر ترم ۴۰۰ هزار تومان هم باشد اعتبارات سازمان پاسخگوی نیاز همه آنها نیست.» غلامی هم می‌گوید: «هر ترم بین ۳۰۰ هزار تا دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای دانشجویان نابینا شهریه دانشگاه پرداخت می‌کنیم اما مشکلی که از سال گذشته پیش آمده این است که تا سال ۸۶ بودجه متمرکز بوده و یک فهرست کلی به سازمان ارائه می‌شد تا بابت هزینه‌ها اعتبار تخصیص داده شود اما از سال گذشته بودجه‌ها استانی شد. من قانون را بهتر می‌دانم. قانون به من گفته تحصیل دانشجوی معلول رایگان باشد اما همین قانون هیچ تضمینی برای واگذاری کامل اعتبارات به من نمی‌دهد. تمام دانشجویان هم می‌خواهند در دانشگاه‌های غیرانتفاعی درس بخوانند. بودجه‌یی که به ما می‌دهند یا باید بین همه به عدالت توزیع شود یا به هیچ کس اختصاص ندهیم.»

سهیل معینی مشاور وزیر سابق رفاه و تامین اجتماعی در امور معلولان در گفت‌وگو با اعتماد مشکلات نابینایان را در دامنه وسیعی می‌بیند که سرآغاز این دامنه، نبود آمار دقیق و به تبع آن فقدان پوشش کامل حمایتی و برنامه‌ریزی‌های صحیح برای بهره‌مندی جامعه نابینایان از حقوق شهروندی است. وی با انتقاد از نبود نظام حمایتی برای نابینایان ایران، چه آنها که از نظر مالی تامین هستند و صرفاً به خدمات توانبخشی نیاز دارند و چه آن تعداد کثیری که از نظر معیشتی در سطوح زیرین خط فقر قرار می‌گیرند، می‌گوید: «نداشتن شغل برای نابینایان به معنی فقدان نظام تامین اجتماعی نیست. چنان‌که نابینایان شاغل هم باید هزینه‌های اضافی برای نیازهایی که مترتب بر معلولیت است صرف کنند. سازمان بهزیستی به معلولان مستمری و بیمه درمان و کمک‌های یارانه‌یی می‌دهد اما این ارقام و این کمک‌ها هیچ تناسبی با نیاز معلولان نداشته و حتی نمی‌تواند حداقل استانداردهای معیشتی را برای آنها فراهم آورد.» وی می‌افزاید: «از بیکاری نابینایان ایران هیچ آماری در دست نیست. بر مبنای آمار جهانی، نرخ بیکاری در معلولان حدود ۵۰ درصد برآورد می‌شود. پیش‌بینی می‌کنیم بیکاری نابینایان ایران بیش از ۵۰ درصد باشد. در چنین شرایطی می‌توان پیش‌بینی کرد تعداد نابینایان زیر خط فقر رقمی بیش از نیمی از نابینایان ایران را دربر بگیرد. در شرایطی که تعریف رسمی و غیررسمی از خط فقر در کشور ما هنوز واضح نیست و نرخ بیکاری در معلولان دو برابر سایر آمار جامعه برآورد می‌شود و هنوز معلولان شاغل با حداقل دستمزد مشغول به کار هستند و باید هزینه‌های اضافی از بابت معلولیت بپردازند- هزینه‌هایی که بابت مناسب نبودن جامعه شهری و وسایل حمل و نقل عمومی یا نبود امکانات رایگان در اماکن عمومی پرداخت می‌شود- و همچنین اکثر معلولیت‌ها در خانواده‌های دهک اول و فقیر جامعه به وقوع می‌پیوندد طبیعی است که این افراد بیشترین تعداد جمعیت زیر خط فقر ایران را شامل شوند.» معینی پیشرفت در برخی مواد قانون ۱۶ ماده‌یی جامع حمایت از حقوق معلولان را نسبی دانسته و بیشترین کم‌کاری را متوجه مفاد مربوط به مناسب‌سازی فضاهای تحصیلی، شهری و اماکن عمومی برای نابینایان می‌داند و می‌گوید: «مهم‌ترین تاثیر مناسب‌سازی برای نابینایان حفظ امنیت آنها است. در شرایطی که نابینا نمی‌تواند محیط اطراف خود را ببیند و در آن تردد کند، امنیت جانی او بیشتر در معرض خطر است. اقدامات سمبلیک خوب است اما از آنجا که وارد فضای برنامه‌ریزی نشده هنوز در ساختمان‌های عمومی اماکن عمومی نیازهای تردیدی نابینایان و معلولان لحاظ نمی‌شود. تیراژ کتاب‌ها و نشریات ویژه نابینایان از ۱۰ عنوان در سال فراتر نرفته و به علت نبود نیروی کمکی امکان استفاده پژوهشگران نابینا از کتابخانه‌ها وجود ندارد. نبود بودجه برای تجهیز رایانه‌های ویژه نابینایان، نبود دسترسی به ورزشگاه‌های ارزان و مناسب‌سازی شده برای توانبخشی روحی و جسمی آنان و ضعف دانشگاه‌ها در ارائه امکانات و خدمات به دانشجویان نابینا در زمان امتحانات از جمله مشکلات حل نشده است. در کنار تمام این مشکلات یک شهروند نابینای ایرانی هنوز نمی‌تواند باامنیت در شهر حضور داشته باشد چرا که هنوز یک چراغ راهنمایی هم گویا نشده است.» انتقاد سازمان بهزیستی کشور از اجرا نشدن کامل قانون جامع حمایت از حقوق معلولان می‌تواند به منزله یک برگ برنده در دست جامعه معلولان کشور تلقی شود. وقتی معاون توانبخشی و رئیس ستاد برگزاری مراسم و مناسبت‌های ویژه معلولان سازمان بهزیستی کشور، یک‌زبان می‌گویند حداکثر ۳۰ درصد از این قانون تاکنون اجرا شده، به این معناست که دولت حتی در اجرای قانونی که تصویب کرده هم موفق نیست.

متخصصان در علم پزشکی اظهار می‌دارند حدود ۶۰ درصد اختلالات بینایی قابل درمان و ۲۰ درصد آن قابل پیشگیری است. گفته می‌شود ۵۰ درصد از افراد دارای اختلال در بینایی، قبل از تولد و ۵۰ درصد، بعد از تولد به این عارضه دچار می‌شوند. در عین حال پیش‌بینی متخصصان علم پزشکی نشان می‌دهد تعداد فعلی مبتلایان به اختلالات بینایی ایران تا سال ۱۴۰۰ دو برابر خواهد شد. این افزایش در حالی است که کشورهای جهان در تعهدی مشترک، پیمان سپرده‌اند تا سال ۲۰۲۰ (۱۲ سال دیگر) نابینایی‌های قابل پیشگیری در دنیا ریشه‌کن شود. سوال اول اینکه آیا ایران تا ۱۲ سال آینده به این موفقیت دست خواهد یافت؟ سوال دیگر: امکانات فعلی که محدود بوده و حتی در حد رفع حداقل‌های تمام جمعیت جامع نابینایان و کم‌بینایان نیست برای جمعیتی که دو برابر تعداد فعلی خواهند بود چگونه پاسخ می‌دهد؟

چند متر از پیاده‌روهای ایران برای نابینایان مناسب‌سازی شده است؟

وزیر در پاسخ به منتقدان نظام مدیریتی:
قوی‌ترین و عملگراترین وزیر علوم در تاریخ کشورم

گروه اجتماعی، علی رنجی‌پور: در حالی که انتقادات از وزارت علوم طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر به اوج خود رسیده و بسیاری از منتقدان، مدیران ارشد این وزارتخانه را به ضعف مدیریتی متهم کرده و می‌کنند، وزیر وزارتخانه علوم دولت نهم در گیلان خود را عملگراترین وزیر علوم تاریخ کشور خواند و به دفاع قاطع از عملکرد خود و همکارانش در ماه‌های اخیر پرداخت. محمدمهدی زاهدی که پیش از این نیز در جمع خبرنگاران خود را از موفق‌ترین وزرای کابینه و مشرف به کلیه امور جاری این وزارتخانه خوانده بود، روز پنجشنبه و در جریان سفر استانی هیات دولت به استان گیلان، به تکرار مدعای خود پرداخت و جریان‌ها و حواشی کنکور امسال را نشانه‌یی از موفقیت خود و همکارانش در وزارت علوم برشمرد. وی با بیان اینکه انتقادات از کنکور امسال جوسازی کاذبی بوده است، اجرای طرح بومی‌گزینی را به‌رغم ایراد همه منتقدان رسمی و غیررسمی این طرح، منطبق بر عدالت آموزشی ارزیابی کرد. اشاره زاهدی به جریان‌سازی کاذب، بی‌شک به برنامه‌یی بود که هفته گذشته از سیما پخش شد. وزیر علوم نیز با گریز زدن به این برنامه تاکید کرد: «چند شب پیش کذب بودن ادعای برخی افراد معترض کنکور ۸۷ از طریق یکی از شبکه‌های صدا و سیما پخش شد.» در این برنامه تعدادی از معترضان و متحصنان مقابل سازمان سنجش که در گفت‌وگو با سیما رتبه خود را چیزی غیراز رتبه واقعی عنوان کرده بودند، به همراه کارنامه و شماره داوطلبی به تصویر کشیده شدند، تا نمایش داوطلبی که به جای اعلام رتبه واقعی خود - مثلاً ۷۶۵- رتبه خود را به دوربین سیما ۷۰۰ گفته است، به عنوان نمادی از این جوسازی کاذب علیه وزارت علوم به نمایش دربیاید. در همین حال وزیر علوم با اشاره مستقیم به طرح بومی‌گزینی در جمع دانشجویان گیلانی گفت: «البته نمی‌خواهم از بومی‌گزینی دفاع کنم، اما امسال به سازمان سنجش فشار آوردم تا یک بار نیز سنجش را آزاد برگزار کند (گزینش ملی برگزار شود) و نتیجه را محرمانه ارائه دهد. نتایج نشان داد اگر بومی‌گزینی در کنکور اعمال نشود، ظلم بزرگی به کشور می‌شود و داوطلبان استان‌های محروم کشور از ورود به دانشگاه محروم می‌شوند.» زاهدی بدون اشاره به اینکه موضوع انتقاد منتقدان نه سهمیه مناطق سال‌های گذشته، بلکه طرح امسال سازمان سنجش و قبول نشدن رتبه‌های بالای شهرستانی در دانشگاه‌های معتبر تهرانی است، ادامه داد: «با اینکه بومی‌گزینی خیلی به عدالت نزدیک است، اما دارای نقایصی نیز هست که باید در شورای عالی انقلاب فرهنگی برطرف شود. امسال تعداد رشته‌هایی که بومی‌گزینی استانی برای آنها اعمال شده، زیاد هستند و این افزایش کاملاً قانونی و به نفع کشور است. البته پذیرش در رشته‌هایی مانند مکانیک، برق، پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و حقوق که متقاضیان بیشتری دارند استانی نبوده، بلکه ناحیه‌یی یا کشوری بوده است.»

وزیر علوم سپس در دیدار با اعضای تشکل‌های دانشجویی به دفاع از سیاست‌های وزارتخانه متبوع خود در حوزه تشکل‌های دانشجویی پرداخت و در پاسخ به انتقادات برخی تشکل‌ها، حمایت از تشکل‌های قانونی را محور اصلی سیاست‌های وزارت علوم در قبال تشکل‌ها معرفی کرد و در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان منتقد مبنی بر حمایت‌های خاص وزارت علوم از برخی تشکل‌های خاص و رشد بادکنکی برخی تشکل‌ها مثل انجمن‌های اسلامی مستقل تاکید کرد: «وزارت علوم از تکثر تشکل‌های دانشجویی اصلاً نمی‌هراسد.» وزیر علوم در حالی به دفاع از سیاست‌های فرهنگی خود و همکارانش در این حوزه پرداخت که از سه سال گذشته و از زمان روی کار آمدن مدیران دولت نهم در این وزارتخانه و دانشگاه‌ها، بسیاری از تشکل‌های دانشجویی مثل انجمن‌های اسلامی و برخی تشکل‌های غیرهمسو با دولت، با محرومیت‌ها و محکومیت‌هایی نظیر تعلیق از فعالیت، تعطیلی و پلمب دفتر، صدور احکام انضباطی برای اعضای فعال و . . . روبه‌رو شده‌اند. با این حال مسوولان وزارت علوم بدون آنکه در مقام پاسخگویی به مصادیق مورد نظر منتقدان برآیند، همواره تاکید کرده‌اند سیاست این وزارتخانه حمایت و توسعه تشکل‌های قانونی است.

نگاه مردم

کودکان گرسنه را دریابیم

علیرضا جباری‌زادگان*

هفته گذشته ۲۴ مهر روز جهانی غذا بود. شعار امسال روز جهانی غذا «امنیت غذایی جهان و تغییرات آب و هوایی» است. ما انسان‌ها تنها خانه پدری خود یعنی زمین را به نابودی می‌کشیم، مانند مسافران و مهمانانی که برای یک روز پیک‌نیک به باغی باصفا و سرسبز می‌روند و غروب که می‌خواهند برگردند، چمن‌ها را لگدمال می‌کنند، گل‌ها را می‌چینند، شاخه درخت‌ها را می‌شکنند و آب پاک و زلال را آلوده و کدر می‌کنند. امروزه ۸۴۰ میلیون انسان در کشورهای در حال توسعه و فقیر از غذای کافی محرومند و نیمی از آنها را خطر مرگ ناشی از گرسنگی تهدید می‌کند. هر سال هفت میلیون کودک زیر پنج سال (یعنی ساعتی ۸۰۰ کودک) در کره خاکی و همین سیاره‌یی که ما آسوده روی آن زندگی می‌کنیم، به دلیل گرسنگی جان خود را از دست می‌دهند. در حالی که ما شب‌ها آرام و راحت در بستر خود می‌خوابیم، هزاران کودک از گرسنگی خواب‌شان نمی‌برد و پدر و مادرشان نیز قادر به سیر کردن شکم گرسنه این کودکان معصوم و مظلوم نیستند. در سال ۲۰۰۰ میلادی رهبران ۱۸۹ کشور جهان در سازمان ملل اولین هدف از اهداف توسعه هزاره را ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی و به نصف رساندن گرسنگان تا ۱۰ سال بعد اعلام کردند؛ هدفی که پس از هشت سال در حد حرف و شعار باقی‌مانده و احتمال دستیابی به آن سخت و حتی محال است. یکی دیگر از اهداف سران دنیا کاهش مرگ و میر کودکان بود، ولی این هدف هم عملی نشد و در حال حاضر هر سال ۱۱ میلیون کودک زیر ۵ سال (یعنی ساعتی ۱۳۰۰ کودک) جان خود را از دست می‌دهند. سوال این است که چرا در چنین شرایطی باید منابع جهان و به‌ویژه کشورهایی که مردم آنها فقیرند، صرف تهیه سلاح‌های اتمی و تسلیحات جنگی شود؟ کودکان نمی‌توانند از گرسنگی خود که نتیجه بی‌توجهی بزرگ‌ترها به آنها و بی‌عدالتی حاکمان دنیا است، سخن بگویند. کودکان نمی‌توانند اعتراض خود را با فریادی بلند به گوش مردم جهان برسانند. آنها می‌خواهند با مرگ خود وجدان‌های خواب‌آلود ساکنان کره خاکی را که باعث فقر، گرسنگی و مرگ آنها می‌شوند بیدار کنند. کودکان گرسنه توان فریاد کشیدن ندارند و ناله آنها به گوش کسی نمی‌رسد. بیایید ناله آنها را فریاد کنیم و آن را به گوش جهانیان برسانیم.

*دانش‌آموز مدرسه راهنمایی علامه طباطبایی

خبر

کنترل بیماری دیابت جانبازان

مسوول پایش سلامت جانبازان ضایعه نخاعی بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: بیماری دیابت در ۹۰ درصد جانبازان حاضر در اردوی شیراز، شامل ۳۵ نفر جانباز ضایعه نخاعی کنترل شده است. به گزارش اداره کل روابط عمومی بنیاد شهید و امور ایثارگران، جواد جباری با اعلام این خبر با بیان اینکه در اردوی فرهنگی درمانی شیراز ۳۹ جانباز ضایعه نخاعی مبتلا به دیابت از میان ۱۴۰ جانباز ضایعه نخاعی دارای دیابت در کل کشور تحت معاینات مختلف قرار گرفتند، افزود: برآیند کلی معاینات جانبازان حاکی از این است که شرایط جسمی مبتلایان به دیابت در بین جانبازان ضایعه نخاعی بهتر از معلولان نخاعی است.

ادامه از صفحه ۸

تلویزیون متولی انقلاب فرهنگی نیست

فکر کنید قرار است درباره اعتیاد صحبت شود و به مخاطب پیام آموزشی و تربیتی ارائه شود. واقعاً نقش تحقیق و پژوهش در این سریال یا سریال‌هایی اینچنین کجاست؟

من نکته آخرم را هم به قسمت «از چه مجرایی» لاسول اختصاص دهم. منظور از این سوال نوع رسانه است که در بحث ما تلویزیون است. ببینید تلویزیون در همه دنیا توان مشخصی دارد. تلویزیون از ابتدای شکل‌گیری وسیله‌یی متوسط بوده است. از تلویزیون انتظار نمی‌رود انقلاب فرهنگی ایجاد کند. در همه جای دنیا وسیله‌یی برای سرگرمی است. شما نمی‌توانید از تلویزیون به عنوان رسانه اخلاق‌سازی استفاده کنید. در این صورت شاید به قول پیاتیلا به وضعیت بی اثری (no-effect) یا حتی واپس‌زندگی از طرف مخاطب برسیم. لذا توصیه من به عنوان یک محقق رسانه ملی که علاقه دارم هر روز بهتر از قبل شود- و خوشبختانه در این مسیر هم حرکت می‌کند- آن است که قاب تصویر تلویزیون را قاب کم‌توان و ضعیفی ببینند. پیام‌های اخلاقی و دینی عمیق و ارزشمند را ابتدا تلویزیونی کنند بعد برای مخاطب پخش کنند. شما فکر کنید امروزه در کشورهای پیشرفته وقتی می‌خواهند سخنرانی‌های کاندیداهای ریاست جمهوری را هم پخش کنند ابتدا آن را تلویزیونی می‌کنند. یعنی برای آن فیلمنامه می‌نویسند. حرکات دوربین، نور، دکور، همه و همه طوری مدیریت می‌شود که مساله از سطح و توان تلویزیون به عنوان entertainment بیشتر نشود. در کل تجربه رسانه‌یی نشان می‌دهد که تلویزیون، تلویزیون است. تلویزیون نمی‌تواند به جای حزب، اماکن مقدس مذهبی، مدرسه و . . . بنشیند. هیچ‌کس برای فعالیت سیاسی، مومن شدن و درس خواندن به سمت تلویزیون نمی‌آید. مردم می‌خواهند تلویزیون ببینند!

- آیا نکته دیگری در مورد بحث اثربخشی باقی مانده است؟

اگر اجازه بدهید در نهایت می‌توانم با دو واژه زمان و دوام تاثیر بحث اثرگذاری را تمام کنم. به نظر من ممکن است از نظر مدت زمان لازم برای تاثیرگذاری رسانه‌یی، در یک ماه بتوان تا حدی تاثیرگذار بود ولی محیط مخاطب امروزی به گونه‌یی شده است که دوام تاثیر بسیار کوتاه است. تلویزیون نمی‌تواند تاثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مملکت را کنترل یا مسدود کند. سایر شرایط دربرگیرنده مخاطب حتی چیزی مثل تورم دوام تاثیر تلویزیون را کاهش می‌دهند. به قول اندیشمندان نظریه تکمله، تاثیر رسانه فقط دست خودش نیست. برای آنکه رسانه اثرگذار شود باید شرایط دیگری هم وضعیت را تکمیل کنند. این وضعیت در کشور ما چندان آماده نیست. ظاهراً من بدون آنکه طرح قبلی داشته باشم پاسخ‌هایم را طبق عناصر ارتباطی لاسول پیش برده‌ام یعنی سوال مشهور او: چه کسی، چه چیزی را؛ از چه مجرایی، به چه کسی، با چه اثری می‌فرستد؟ فکر کنم درباره چه چیزی یعنی محتوا؛ به چه کسی یعنی مخاطب؛ با چه اثری یعنی اثر پیام صحبت کردیم.